

گفت‌وگوی «جوان» با جانبازی که تیر خلاصی خورد و شیمیایی شد ولی امروز با ۲۵ درصد جانبازی بیکار است

عوارض شیمیایی شدن ۳ فرزند بیمار نصیب کرد

■ **احمد محمدتبریزی**

در ۱۶ سالگی تیر خلاصی که قرار بود به مغزش بخورد، با چرخش ناگهانی سر، به فکش خورد. پس از بهبودی شیمیایی شد و شش ماه بینایی‌اش را از دست داد. پس از دو‌ج دو فرزندش را از دست داد و الان پسر ۱۱ساله‌اش سرطان دارد و شیمی درمانی می‌شود. سید هادی مزینانی از جانبازان و رزمندگان دفاع مقدس از زمان اعزام به جبهه تا امروز سختی‌های زیادی کشیده است. اهل گلایه و شکایت نیست ولی از رفتار برخی مسئولان ناراحت و دلخور است. می‌گوید ما از فراموش‌شدگان هستیم. روزگار شرایط سختی را برای رزمنده نوجوانی که جانش را کف دستش گذاشت و مقابل دشمنان ایستادگی کرد، رقم زده است. دقایقی پای درد دل‌های این جانباز سیدهادی مزینانی نشستیم تا بگویم هنوز فراموش نشده‌اند. ■■■

اولین بار چه زمانی و در کدام مقطع جنگ با پتان به عنوان رزمنده به جبهه باز شد؟

سال ۶۱در ۱۶ سالگی راهی جبهه شدم. در ۲۷ روز دوره‌های آموزشی را در پادگان امام حسین(ع) گذراندم و بعد از آن برای جبهه اعزام شدم. نزدیک یک ماه در پادگان دو کوه بودم که عملیات والفجر مقدماتی شروع شد. در این عملیات گردانمن در محاصره افتاد و بیشتر بچه‌ها شهید شدند. گلوله‌ای هم به پایم خورد، عراقی‌ها مرا اسیر کردند ولی به خاطر شرایط چون نمی‌توانستند من را همراهشان ببرند تیر خلاصی به سرم زدند. بعد از دو ساعت به هوش آمدم و یکی از رزمندگان مرا نجات داد و به پشت خط منتقل کرد.

اگر می‌شود کمی بیشتر در مورد ماجرای محاصره و تیر خلاصی که به شما زدند صحبت کنید.

والفجر مقدماتی تعدادی مناقب به‌عنوان بیستمی‌چی در گردان و لشکرها حضور داشتند و همین‌ها حمله را به عراقی‌ها اطلاع داده بودند. در این عملیات موانع و سیم خاردار ها و میدان مین‌های عظیمی مقابل رزمندگان وجود داشت. در کنار اینها با این مشکل هم مواجه بودیم که عملیات لورفته است. گردان ما گردان حنظل از لشکر حضرت رسول جزو گردان‌های خط‌شکن بود. عملیات که شروع شد تا جایی که در توانمان بود جلو رفتیم ولی سیم پانک شد و در محاصره گیر افتادیم. برای این عملیات شهیدان زیادی دادیم. بیشتر رزمندگان شهید شدند. من هم جزو آخرین نفرات بودم که ابتدا مجروح و سپس اسیر شدم. وقتی دیدند توان راه رفتن ندارم یک افسر عراقی به سربازی دستور داد تیر خلاصی بزند و هنگامی که با سرباز چشم در چشم شدم او متوجه سنن و سال کم من شد. داش نیامد ولیک کند و با قنداق اسلحه به سرم زد. در آخر افسر عراقی خودش کلت کشید و شلیک کرد که گلوله از پشت سر به فکم خورد. فکم از جای در آمد، بیهوش شدم و بی‌جان روی زمین افتادم. موقعی که گلوله شلیک شد من یک لحظه سرم را برگرداندم و همین‌باعث شد گلوله به فکم بخورد. وگرنه به مغزم خورده بود.

پس از به هوش آمدن با چه صحنه‌ها و اتفاقاتی مواجه شدید؟

از زمان به هوش آمدن صحنه‌های عجیب و غریبی دیدم. دیدم یکی از این سوسمما‌های بزرگ صحرا،یی پیکر رزمنده‌ای که به شدت مجروح و برخی اجزای بدنش متلاشی شده است

بعد از بهبود دوباره اعزام جبهه شدید؟

کمی که حالم بهتر شد گفتم دوباره می‌خواهم بروم. دهانم سیمکسی شده بود. با‌اصرار زیاد دوباره به جبهه رفتم و این بار در منطقه جفر شیمیایی شدم. بعد از عملیات خیبر و از پادگان حمیدیه به این منطقه اعزام شدیم. هوا بسیار گرم و منطقه خاکی بود. رزمندگان برای فرار از گرما چاله‌هایی می‌کنند و در آن می‌نشستند. ۴۰۰، ۵۰۰ نفر از شدت گرما چاله می‌کنند و هر کدام در چاله می‌نشستند تا خنک شوند. متأسفانه همین کار باعث شد خاک شیمیایی بر بدن و چشم‌ها اثر بگذارد که من هم مستثنی نبودم.

از شهدا و رورزمندگان شاخص جنگ با چه کسانی هم‌دوره بودید؟

هر شب شهید همت را هنگام سخنرانی می‌دیدم. شهید کاظم رستگار در گردان حر از لشکر سیدالشهدا(ع) فرمانده بود. من بعد از اسارت حاج احمد متوسلیمان به جبهه رفتم. شهید همت را جوانی دیدم که در رزمندگی شجاع و در برخورد با ما بسیار مهربان و متواضع بود. با هیگلی که چندان بزرگ و درشت نبود به لحاظ معنوی، جنگی، فکری و شجاعت آدمی بی‌تظیر بود. من با آن حته کوچک به قلب عراقی‌ها می‌زد، اطلاعات جمع می‌کرد و در بازگشت لشکرش را برای عملیات آماده می‌کرد. در جبهه کسانی را می‌دیدم که روی مین می‌روند و دو شب مانده به عملیات افرادی قبر می‌کنند و در قبرها به مناجات می‌پرداختند. هنگام نماز فضای عطر آگین جبهه و پادگان دو کوه را می‌گرفت

که قابل وصف نیست. هر چقدر الان می‌خواهم از رفتنم ناراحت باشم یاد آن زمان می‌افتم پیش وجدانم خجالت می‌کشم. یاد آن بچه‌هایی که مخلصانه راز و نیاز می‌کردند. شنیدم یکی از رزمنده‌ها دعا می‌کرد شب حمله طوری شهید شود که هیچ اثری از او باقی نماند. در هیچ جنگی نمی‌شود چنین برداشت‌هایی را با چشم دید. در همه جنگ‌ها همه برای حفظ جان به جنگ می‌روند بعد رزمندگان ما دعا می‌کردند مردمی تکه تکه شوند که اجزای بدنشان پیدا نشود. همه کسانی که این مناجات‌ها را کردند، فتنند و ما جزو قافله‌ای بودیم که شک و تردید همراهمان بود و شاید همین‌باعث شد شهیدنشوم. بیشتر کسانی که از قافله شهدا جا مانده‌اند بین بودن و نبودن شکی در دلشان وجود داشت. شهدا استثناهایی بودند که با دل و جان شهادت را قبول کرده بودند. نه اینکه بخوانند جانشان را مفت از دست بدهند بلکه در کمال رزمندگی، شجاعت و غیرت جانشان

را از دست بدهند و شهید شوند.

زمان اعزام بسیار کم سن و سال بودید. حسن و حائاتن در جبهه و هنگام مواجهه با این اتفاقات چگونه بود؟

آن زمان از لحاظ درسی و تحصیلی جزو بهترین دانش آموزان منطقه بودم. پرونده‌ام در منطقه ۱۲ تهران است ولی شور و شوق باعث شد درس را رها کنم و جزو رزمندگان شوم. من از اول سال ۶۱ برای اعزام اقدام کردم و در نهایت پایان سال موفق به رفتن شدم. با سماحت خودم و چند تاز دوستام که همگی شهید شدند توانستیم برویم. شهید محسن مشکئی، شهیدایی که الان نشانم بر کوچه و خیابان‌های محله ۱۲ دیده می‌شود. شهید محسن مشکئی، بهرام درودی، سیدحسین قادری همکلاسی و رفیق‌هایم بودند و همه کارهایمان را با هم انجام می‌دادیم.

من در سنن و سالی بودم که کتمان نمی‌کنم نترسیده بودم. شب عملیات واقعاً ترسیده بودم. خمپاره‌هایی کنار می‌خورد که آدم را گنگ می‌کرد. آنقدر دوست داشتم شب عملیات حضور داشته باشم که تمام اینها را به جان می‌خریدم. برخی همان موقعی که خمپاره اول کنارشان می‌خورد دچار موج غرقگی می‌شدند، سردصا می‌کردند و برای اینکه عملیات لو نرود آنها را به عقب می‌بردند. من با همان سن و سالم خودم را نگه می‌داشتم تا در عملیات حاضر باشم.

به شهادت هم فکر می‌کردید؟

وصیتنامه‌ام را هم نوشته بودم که الان دست‌مادرم است. زمانی که مجروح شدم اسمم جزو شهدا رد شده بود. خودم در خانه بودم که ساکم را از تعاونی سپاه آوردند و به خودم گفتند سیدهادی شهید شده که من گفتم هادی خودم هستم و مجروح



شده بودم. ببینید وضعیتم چقدر ناچور بوده که اسمم را جزو شهدا رد کرده بودند. اگر شهید می‌شدم جزو پاره استخوان‌هایی بودم که امروز از شهدا به دست می‌آید. عراقی‌ها پیکر شهدا را در کانالی ریخته بودند و با لودر رویشان خاک می‌ریختند و دفن می‌کردند.

در حال حاضر از عوارض جانبازی و شیمیایی شدن عارضه‌ای همراه شما مانده که باعث سختی‌تان شود؟

من الان بیکار هستم و شرایط روحی ثابتی ندارم. پسر ۱۱ ساله‌ام بسرطان خون دارد و یک سال و نیم است شیمی درمانی می‌شود و گفته‌اند تا سه سال باید شیمی درمانی شود. دو دخترم متأسفانه با شرایط بد فلج ذهنی و جسمی به دنیا آمدند که هر دو از دنیا رفتند. شرایط یکی‌شان خیلی پایدار نبود ولی آن یکی دخترم را با جزو و سختی نگه داشتم. چشمش از درمانی‌شود. دو دخترم متأسفانه رابرای عمل می‌بردم. پرونده‌هایش در بیمارستان قزلبی هست. خیلی از پزشک‌هایی گویند شرایط شیمیایی شما که حد بوده ممکن است روی بچه‌ها اثر گذاشته باشد. گاهی فکر می‌کنم می‌گویم شاید اگر آن موقع به جبهه نمی‌رفتم بچه‌هایم اینطوری نمی‌شدند. الان خیلی از رفقای خودم که به جبهه نرفتند را می‌بینم که رئیس جایی هستند و موقعیت خوبی دارند در حالی که در زمان تحصیل من خیلی از آنها سر بودم ولی به خاطر جبهه در سر راه‌ها کردم.

ان چند فرزند دارید؟

یک پسرم را داماد کرده‌ام و یک دو قلو ی پسر و دختر دارم که یکی‌شان سرطان دارد. خیلی سختی کشیدم. چشمم‌پس از شیمیایی شدن شش ماه کور شد و با مشقت زیادی بینایی‌ام



جوابیه

توضیحات سازمان جهاد کشاورزی استان تهران

درباره یک گفت‌وگو

بگیر بوده و دارای کدحقوقی است و به علت ناتوانی از حضور در محل کار (جانباز حالت اشتغال) حقوق ماهانه دریافت می‌کند. در جای دیگر کرایه ۳۳۰ هزار تومان را بر اساس نظر کارشناس رسمی دادگستری می‌داند. در ادامه می‌نویسد مبلغ کارشناسی اجاره بها دو برابر این مبلغ است که باز نوعی تناقض است.

در بند ۳نامه مسئولان جهاد هر گونه توهین، اهانت و طرح موضوعات نسبت داده شده به مسئولان سازمان را کامل تکذیب کرده‌اند. باید دید تعریف مسئولان سازمان از توهین چیست؟ اینکه به همسر جانباز گفته شود برو گدایی کن توهین است یا نه؟ به راستی این همسر جانباز با تحمل درد و رنج این سال‌ها چه نیازی به بیان دروغ دارد و اساساً اگر به دروغ‌گی اعتقاد داشت طی این سال‌ها با همسر دار. علاوه بر این همسر جانباز همان ابتدا از سخنان مسئول مربوطه به حدی ناراحت شده که به حراست شکایت برده‌اند.

در ادامه این جوابیه آمده است: کرامت و شأن و منزلت جانبازان عزیز و خانواده‌های شریف آنها در حدی است که هیچ‌کس این اجازه را به خود نخواهد داد که خدای ناخواسته اساعه ادب یایی حرمتی به آنها داشته باشد و همواره خود را خدام و نوکر این عزیزان می‌دانیم و وقت بروز کرده و جای خوب شدن ندارد. باید در ادامه این جوابیه آمده است: کرامت و شأن

در ادامه این جوابیه آمده است: کرامت و شأن

در ادامه این جوابیه آمده است: کرامت و شأن

در ادامه این جوابیه آمده است: کرامت و شأن

در ادامه این جوابیه آمده است: کرامت و شأن

در ادامه این جوابیه آمده است: کرامت و شأن

در ادامه این جوابیه آمده است: کرامت و شأن

در ادامه این جوابیه آمده است: کرامت و شأن

در ادامه این جوابیه آمده است: کرامت و شأن

در ادامه این جوابیه آمده است: کرامت و شأن

در ادامه این جوابیه آمده است: کرامت و شأن

در ادامه این جوابیه آمده است: کرامت و شأن

در ادامه این جوابیه آمده است: کرامت و شأن

در ادامه این جوابیه آمده است: کرامت و شأن

در ادامه این جوابیه آمده است: کرامت و شأن

در ادامه این جوابیه آمده است: کرامت و شأن

در ادامه این جوابیه آمده است: کرامت و شأن

در ادامه این جوابیه آمده است: کرامت و شأن

در ادامه این جوابیه آمده است: کرامت و شأن

در ادامه این جوابیه آمده است: کرامت و شأن

در ادامه این جوابیه آمده است: کرامت و شأن

در ادامه این جوابیه آمده است: کرامت و شأن

در ادامه این جوابیه آمده است: کرامت و شأن

در ادامه این جوابیه آمده است: کرامت و شأن

در ادامه این جوابیه آمده است: کرامت و شأن

در ادامه این جوابیه آمده است: کرامت و شأن

در ادامه این جوابیه آمده است: کرامت و شأن

در ادامه این جوابیه آمده است: کرامت و شأن

در ادامه این جوابیه آمده است: کرامت و شأن

در ادامه این جوابیه آمده است: کرامت و شأن

در ادامه این جوابیه آمده است: کرامت و شأن

در ادامه این جوابیه آمده است: کرامت و شأن

در ادامه این جوابیه آمده است: کرامت و شأن

در ادامه این جوابیه آمده است: کرامت و شأن

در ادامه این جوابیه آمده است: کرامت و شأن

در ادامه این جوابیه آمده است: کرامت و شأن

در ادامه این جوابیه آمده است: کرامت و شأن

در ادامه این جوابیه آمده است: کرامت و شأن

در ادامه این جوابیه آمده است: کرامت و شأن

در ادامه این جوابیه آمده است: کرامت و شأن

در ادامه این جوابیه آمده است: کرامت و شأن

در ادامه این جوابیه آمده است: کرامت و شأن

در ادامه این جوابیه آمده است: کرامت و شأن

در ادامه این جوابیه آمده است: کرامت و شأن

در ادامه این جوابیه آمده است: کرامت و شأن

در ادامه این جوابیه آمده است: کرامت و شأن

در ادامه این جوابیه آمده است: کرامت و شأن

در ادامه این جوابیه آمده است: کرامت و شأن

در ادامه این جوابیه آمده است: کرامت و شأن

در ادامه این جوابیه آمده است: کرامت و شأن

در ادامه این جوابیه آمده است: کرامت و شأن

در ادامه این جوابیه آمده است: کرامت و شأن

در ادامه این جوابیه آمده است: کرامت و شأن

در ادامه این جوابیه آمده است: کرامت و شأن

در ادامه این جوابیه آمده است: کرامت و شأن

در ادامه این جوابیه آمده است: کرامت و شأن

در ادامه این جوابیه آمده است: کرامت و شأن

در ادامه این جوابیه آمده است: کرامت و شأن

در ادامه این جوابیه آمده است: کرامت و شأن

در ادامه این جوابیه آمده است: کرامت و شأن

در ادامه این جوابیه آمده است: کرامت و شأن

در ادامه این جوابیه آمده است: کرامت و شأن

در ادامه این جوابیه آمده است: کرامت و شأن

در ادامه این جوابیه آمده است: کرامت و شأن

در ادامه این جوابیه آمده است: کرامت و شأن

در ادامه این جوابیه آمده است: کرامت و شأن

در ادامه این جوابیه آمده است: کرامت و شأن

در ادامه این جوابیه آمده است: کرامت و شأن

در ادامه این جوابیه آمده است: کرامت و شأن

در ادامه این جوابیه آمده است: کرامت و شأن

در ادامه این جوابیه آمده است: کرامت و شأن

در ادامه این جوابیه آمده است: کرامت و شأن

در ادامه این جوابیه آمده است: کرامت و شأن

در ادامه این جوابیه آمده است: کرامت و شأن

در ادامه این جوابیه آمده است: کرامت و شأن

در ادامه این جوابیه آمده است: کرامت و شأن

در ادامه این جوابیه آمده است: کرامت و شأن

در ادامه این جوابیه آمده است: کرامت و شأن

در ادامه این جوابیه آمده است: کرامت و شأن

در ادامه این جوابیه آمده است: کرامت و شأن

در ادامه این جوابیه آمده است: کرامت و شأن

در ادامه این جوابیه آمده است: کرامت و شأن

در ادامه این جوابیه آمده است: کرامت و شأن

در ادامه این جوابیه آمده است: کرامت و شأن

در ادامه این جوابیه آمده است: کرامت و شأن

در ادامه این جوابیه آمده است: کرامت و شأن

در ادامه این جوابیه آمده است: کرامت و شأن

در ادامه این جوابیه آمده است: کرامت و شأن

در ادامه این جوابیه آمده است: کرامت و شأن

در ادامه این جوابیه آمده است: کرامت و شأن

در ادامه این جوابیه آمده است: کرامت و شأن

در ادامه این جوابیه آمده است: کرامت و شأن

در ادامه این جوابیه آمده است: کرامت و شأن

در ادامه این جوابیه آمده است: کرامت و شأن

در ادامه این جوابیه آمده است: کرامت و شأن

در ادامه این جوابیه آمده است: کرامت و شأن

در ادامه این جوابیه آمده است: کرامت و شأن

در ادامه این جوابیه آمده است: کرامت و شأن

در ادامه این جوابیه آمده است: کرامت و شأن

در ادامه این جوابیه آمده است: کرامت و شأن

در ادامه این جوابیه آمده است: کرامت و شأن

در ادامه این جوابیه آمده است: کرامت و شأن

در ادامه این جوابیه آمده است: کرامت و شأن

در ادامه این جوابیه آمده است: کرامت و شأن

در ادامه این جوابیه آمده است: کرامت و شأن

در ادامه این جوابیه آمده است: کرامت و شأن

در ادامه این جوابیه آمده است: کرامت و شأن

در ادامه این جوابیه آمده است: کرامت و شأن

در ادامه این جوابیه آمده است: کرامت و شأن

در ادامه این جوابیه آمده است: کرامت و شأن

در ادامه این جوابیه آمده است: کرامت و شأن

در ادامه این جوابیه آمده است: کرامت و شأن

در ادامه این جوابیه آمده است: کرامت و شأن

در ادامه این جوابیه آمده است: کرامت و شأن

در ادامه این جوابیه آمده است: کرامت و شأن

در ادامه این جوابیه آمده است: کرامت و شأن

در ادامه این جوابیه آمده است: کرامت و شأن

در ادامه این جوابیه آمده است: کرامت و شأن

در ادامه این جوابیه آمده است: کرامت و شأن

در ادامه این جوابیه آمده است: کرامت و شأن

در ادامه این جوابیه آمده است: کرامت و شأن

در ادامه این جوابیه آمده است: کرامت و شأن

در ادامه این جوابیه آمده است: کرامت و شأن

در ادامه این جوابیه آمده است: کرامت و شأن

در ادامه این جوابیه آمده است: کرامت و شأن

در ادامه این جوابیه آمده است: کرامت و شأن

در ادامه این جوابیه آمده است: کرامت و شأن

در ادامه این جوابیه آمده است: کرامت و شأن

در ادامه این جوابیه آمده است: کرامت و شأن

در ادامه این جوابیه آمده است: کرامت و شأن

در ادامه این جوابیه آمده است: کرامت و شأن

در ادامه این جوابیه آمده است: کرامت و شأن

در ادامه این جوابیه آمده است: کرامت و شأن

در ادامه این جوابیه آمده است: کرامت و شأن

در ادامه این جوابیه آمده است: کرامت و شأن

در ادامه این جوابیه آمده است: کرامت و شأن

در ادامه این جوابیه آمده است: کرامت و شأن

در ادامه این جوابیه آمده است: کرامت و شأن

در ادامه این جوابیه آمده است: کرامت و شأن

در ادامه این جوابیه آمده است: کرامت و شأن

در ادامه این جوابیه آمده است: کرامت و شأن

در ادامه این جوابیه آمده است: کرامت و شأن

در ادامه این جوابیه آمده است: کرامت و شأن

در ادامه این جوابیه آمده است: کرامت و شأن

در ادامه این جوابیه آمده است: کرامت و شأن

در ادامه این جوابیه آمده است: کرامت و شأن

در ادامه این جوابیه آمده است: کرامت و شأن

در ادامه این جوابیه آمده است: کرامت و شأن

در ادامه این جوابیه آمده است: کرامت و شأن

در ادامه این جوابیه آمده است: کرامت و شأن

در ادامه این جوابیه آمده است: کرامت و شأن

در ادامه این جوابیه آمده است: کرامت و شأن

در ادامه این جوابیه آمده است: کرامت و شأن

در ادامه این جوابیه آمده است: کرامت و شأن

در ادامه این جوابیه آمده است: کرامت و شأن

در ادامه این جوابیه آمده است: کرامت و شأن

در ادامه این جوابیه آمده است: کرامت و شأن

در ادامه این جوابیه آمده است: کرامت و شأن

در ادامه این جوابیه آمده است: کرامت و شأن

در ادامه این جوابیه آمده است: کرامت و شأن

در ادامه این جوابیه آمده است: کرامت و شأن

در ادامه این جوابیه آمده است: کرامت و شأن

در ادامه این جوابیه آمده است: کرامت و شأن